■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۰۴ ■ چهارشنبه ■ ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۰/۱۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۲ | اذان صبح فردا ۴/۲۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۲

سخن روز

امام صادق(ع):
دل حرم خداست، پس غیر خدا را در حرم الهی جای مده.
جامع الاخبار صفحه ۵۱۸، حدیث ۱۴۶۸

جوان‌ترها آینده سینمای ایران هستند

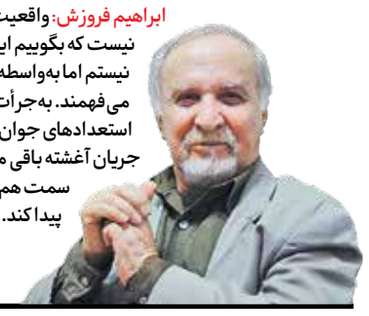

ابراهیم فروزش: واقعیت این است که سینمای کودک در تمام این سال‌ها هیچ‌گاه آنگونه که باید مورد توجه نبوده و اینگونه نیست که بگوییم این شرایط نامناسب مربوط به کرونا یا عوامل بازدارنده دیگر است. من با فیلمسازان جوان در ارتباط نیستم اما به‌واسطه داوری در برخی رویدادها می‌گویم که ما جوانان فیلمساز بسیار مستعدی داریم که سینما را بسیار می‌فهمند. به‌جرأت می‌گویم که آینده سینمای ایران هم در حوزه کودک و نوجوان و هم در دیگر حوزه به پشتوانه همین استعدادهای جوان، سینمایی پربار خواهد بود. از خیلی سال قبل ما به این حوزه ورود کردیم و تا به امروز هم به این جریان آغشته باقی مانده‌ایم. به همین دلیل هم کمتر به سمت و سوی سینمای بزرگسال کشیده می‌شویم، هرچند در آن سمت هم خبری نیست! بچه‌های فیلمساز ما تشنه ساختن هستند و امیدواریم شرایط سینما در آینده بهبود پیدا کند.

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان سینمای کودک با مهر

من بسیار زیسته‌ام
اما اکنون مراد من است
که از این پنجره برای باری
جهان را
آغشته به‌شکوفه‌های گیلاس
بی‌هراس
بی‌محابا
ببینم...

احمدرضا احمدی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

قیمت خودرو روی دنده پنج

توسعه فرهنگ کتابخوانی در سایه ارتباطات جهانی

یادداشت

مهدی توکلیان
مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

روز جهانی ارتباطات و هفته روابط عمومی فرصت بی‌بدیلی است تا به نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و تحولات فرهنگی به‌صورت علمی و عملی دقت بیشتری شود. به طور حتم چالش‌های فرهنگی پیش رو، چالش‌های سخت و غیرقابل انکاری است. برای مقابله با تهاجم فرهنگی نمی‌توان به شعارها اکتفا کرد که اگر چنین بیندیشیم، ساده لوحی است. در عصر جهانی شدن و بخصوص پروژه جهانی‌سازی که امریکا قصد اجرای آن را دارد، بسنده کردن به شعار مقاوم‌سازی فرهنگی و غفلت از آن در اقدام و عمل می‌تواند عواقب خطرناکی داشته باشد؛ عواقبی که با تغییر سریع سبک زندگی مردم، بنیان‌های فرهنگی کشور را دگرگون کند که ۱۰ سال قبل یکی از استراتژیست‌های امریکایی در خصوص دکترین امنیت ملی این کشور گفته بود: «اگر مردم کشورهای هدف را به خوردن مک دونالد، پوشیدن لباس جین، خوردن کوکاکولا، گوش کردن جاز و نگاه کردن به فیلم‌های هالیوود وادار کنیم، بدون لشکرکشی می‌توانیم آنها را ساکنان ایالت جدید خود به حساب آوریم.» کتابخانه‌ها در رویارویی با فشارهای مربوط به دیجیتال سازی و کاهش سرمایه گذاری، مزیت استراتژیک را در همسویی بیشتر خود با برنامه‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی مقامات دولتی که بودجه کتابخانه‌ها به آنها وابسته است، در نظر گرفته‌اند. امروزه، کتابخانه‌ها در برخی شهرهای جهان خود را به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی معرفی می‌کنند به‌طوری که هر کتابخانه به موتور اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. به بیان دیگر از آنجایی که کتابخانه‌های عمومی مکان‌های سطح میانی هستند، به‌طوری که میانجی میان جامعه و دولت محسوب می‌شوند، در شکل گسترده خود، آنها دارای معنای اجتماعی گسترده‌تری، نه تنها به منزله بستری برای توزیع دانش و یا مکان‌هایی برای ساختن جامعه می‌باشند؛ بلکه تبدیل به یک دارایی شهری مهم برای شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگ دیجیتال در حال ظهور شده‌اند. در حال حاضر بسیاری از کتابخانه‌های مهم در جهان در حمایت از سواد دیجیتالی و پرکردن شکاف دیجیتالی، تخصیص فضاها و برنامه‌های پرورش کارآفرینی و نوآوری و تبدیل شدن به مراکز فناوری و ایجاد زمینه برای تشویق تولید خلاق ـ که در بسیاری کشورها پیش‌فرض محسوب می‌شوند ـ پیشرفت چشم‌اندازهای فناوری‌محور و آینده کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان مشارکت می‌کنند. با پذیرش این نقش‌ها و کارکردها، کتابخانه‌ها نه‌تنها کاربران خود را توانا و قادر به شرکت در یک اقتصاد دیجیتال می‌سازند، بلکه آنها خودشان را به‌عنوان نمود واضحی از تصویر هوشمندی، خلاقیت و رقابتی عرضه می‌کنند. اقتصاد مقاومتی، پیشتازی در عرصه علم و فناوری و تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی؛ پایه‌های سه گانه سیاست‌های کلی در برنامه توسعه ایران اسلامی است که راه را برای توجه بیشتر به فرهنگ نسبت به سایر عرصه‌ها هموار کرده است؛ زیرا اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی نیازمند فرهنگ‌سازی جدی و عالمانه است تا با دخالت بیشتر مردم در اقتصاد بتوان اقتصاد را مردمی، الگوی مصرف را اصلاح و همت و تلاش را مضاعف کرد. از سوی دیگر برای پیشتازی در عرصه علم و فناوری نیازمند محور قرار دادن فرهنگ هستیم تا بتوان ابتدا با کار فرهنگی مناسب، خودباوری دانشمندان و مردم را بیشینه کرد و سپس بتوان با گسترش فرهنگ جهاد علمی به پیشتازی در عرصه علمی و فناوری پرداخت. نکته پایانی آنکه رسیدن به افق مشترک میان مدیریت فرهنگی و متولیان رسانه راهکار اساسی برای چگونگی مواجهه با رسانه‌های نوین است. رسانه‌هایی که به شدت میان تمامی اقشار مردم در سراسر دنیا محبوبیت یافته‌اند و در حال تغییر سبک زندگی مردم هستند. مراکز مهم و تأثیرگذار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار نبوده و نیست که در پیشتازی فناورانه رسانه‌های نوظهور، منفعل در فضای فرهنگی و رسانه‌ای جهان معاصر باشند.

ادبیات مخاطره‌آمیز

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

یک کتابی هست که نشر ماهی منتشر کرده با نام «ادبیات در مخاطره» که البته کتاب تازه‌ای نیست و حداقل از چاپ دومش دو سال می‌گذرد. این کتاب را تزوتان تودوروف نوشته و محمدمهدی شجاعی هم ترجمه کرده است. خلاصه این کتاب کم حجم این است که تودوروف می‌گوید تدریس ادبیات در مدارس فرانسه به جایی رسیده که دانش‌آموزان درک درستی از ادبیات پیدا نمی‌کنند و اصلاً به چیزی که باید توجه نمی‌شود.

وقتی که داشتم این کتاب را می‌خواندم مدام به اسمش فکر می‌کردم که دقیقاً ادبیات چرا در مخاطره است؟ اصلاً مگر می‌شود ادبیات در مخاطره بیفتد؟ مثلاً فرض کنیم نسل ادبیات رو به انقراض باشد. تصوری عجیب می‌شود. یعنی باید دست به دست هم بدهیم تا ادبیات را از مخاطره دربیاوریم و برای بقای نسل ادبیات کوشش کنیم. حتماً باید به حرف تودوروف گوش دهیم که دعوای بین هنر برای هنر یا هنر متعهد را پیش می‌کشد و سرانجام می‌گوید باید این هنر به یک دردی بخورد یا هم این‌که به حرف او گوش ندهیم و بگذاریم ادبیات همین‌طور در مخاطره باقی بماند.

تزوتان تودوروف/نویسنده

اما سؤال من این است که اصولاً آموزش و پرورش چقدر می‌تواند مخاطره ایجاد کند؟ برای شخصی مثل من که علاقه به ادبیات داشتم و از رشته ریاضی انصراف دادم و پیش‌دانشگاهی ادبیات خواندم و لیسانس و بعد از آن هنر خواندم، فکر می‌کنم اصلاً مهم نیست که ادبیات در مخاطره باشد. البته بیش‌تر دانش‌آموزان در مخاطره هستند که فقط محفوظات را دنبال می‌کنند و به معانی و اتفاقات و فرم‌ها و گونه‌ها و زیبایی‌شناسی آثار کاری ندارند. در آموزش و پرورش تنها تاریخ ادبیات دوره می‌شود و این است که آینده آدم علاقه‌مند به ادبیات به مخاطره می‌افتد. اصلاً انگار فرانسه و ایران ندارد همه دانش‌آموزان در برابر ادبیات در مخاطره هستند و ادبیات به شکل درست به آنها تدریس نمی‌شود. فکر می‌کنم باید از این بحث عبور کنم و برسم دوباره به ادبیات.

سؤال دیگری که از خودم دارم این است که خود ادبیات چه کاری می‌کند؟ با رفیق‌هایم حرف می‌زدم و به این نتیجه رسیدیم که ادبیات کارش به مخاطره انداختن است. یعنی توی ذهن شما رسوخ می‌کند و می‌خواهد زندگی نرمال شما را از شکلش خارج کند. زندگی کردن با شعر و داستان و رمان شکل دیگری از زندگی است که با زندگی عادی فرق دارد و در آن زندگی شما به خطر می‌افتد. شما شکل دیگری از زندگی را تجربه می‌کنید که تخیل در آن حرف اول را می‌زند و این تخیل زندگی روزمره را دچار بحران می‌کند. این است که باید به ادبیات این لفظ را بدهیم که: «ادبیات مخاطره‌آمیز.»

اما فکر می‌کنید این خطر چطور خطرکردنی است؟ برای مایی که پا در ادبیات گذاشته‌ایم خطری شیرین است. درست مثل وقتی که در یک رودخانه خروشان پارو می‌زنید (زندگی روزمره) و بعد یکهو و بی‌هوا به درون آب پرت می‌شوید و بعد لبه قایق را می‌گیرید و می‌گذارید آب شما را با خودش ببرد و درست کمی پایین‌تر رودخانه آرام می‌شود و شما نجات می‌یابید. این بخش دیگر کار ادبیات است که شما را در مخاطره بیندازد هرچند به قول همین آقای تودوروف خودش در مخاطره باشد.

تضاد غیرمنطقی در برابر فعل اخلاقی

پیشنهاد

سیدمهدی مرشدی
پژوهشگر

اگر شما کودکی را در حال غرق شدن در یک برکه ببینید، آیا از ترس اینکه مبادا لباس‌تان خراب شود از نجات او خودداری می‌کنید؟ البته که این کار را نمی‌کنید. به احتمال قوی او را نجات می‌دهید، مهم نیست آن لباس چقدر قیمت داشته باشد. با این حال، شما احتمالاً از صرف هزینه‌ای معادل قیمت همان لباس برای نجات جان کودکی که دورتر از شما، براثر علل ناشی از فقر درحال جان دادن است، دریغ می‌ورزید. این تضاد غیرمنطقی در رویکرد ما نسبت به یک فعل اخلاقی، محرک نگارش مقاله‌ای پرسروصدا توسط پیتر سینگر شد. در سال ۲۰۱۶ دانشگاه آکسفورد، متن مقاله مذکور را به همراه برخی مباحثی که طی سال‌ها پیرامون آن شکل گرفته بود، در کتابی با عنوان «قحطی، فراوانی و اخلاق» منتشر ساخت. این اثر در سال ۱۴۰۱ توسط کیوان شعبانی مقدم به فارسی ترجمه و توسط انتشارات طرح نو به چاپ رسید.

استدلال اساسی کتاب این است: «اگر ما این توان و استطاعت را داریم که از وقوع اتفاق خیلی بدی جلوگیری کنیم، بی‌آنکه در این راه، چیز دیگری را که از نظر اخلاقی تقریباً به همان اندازه مهم است فدا کنیم، ما وظیفه اخلاقی داریم که آن کار را انجام دهیم.» اینکه فقر و فلاکت از زندگی ما فرسنگ‌ها فاصله دارد، توجیه کافی نیست که بابت کاهش یا رفع آن مسئولیتی نداشته باشیم. در واقع بین نجات ندادن جان کودک خردسالی که در برکه‌ای درحال غرق شدن است و نجات ندادن جان کودکی که هزاران کیلومتر دورتر از ما براثر فقر و بی‌پولی درحال جان دادن است، تفاوتی وجود ندارد. استدلال‌های کتاب در طول زمان تبدیل به محمل مناسبی برای اندیشه‌ورزی در باب اخلاق عملی شده و استادان فلسفه در دانشگاه‌های تراز اولی نظیر آکسفورد و هاروارد در طول سالیان متمادی آن را در اختیار دانشجویان قرار داده‌اند تا به بحث و گفت‌وگو درباره آن بپردازند. مهم‌تر از همه، این کتاب سنگ‌بنای ایجاد جنبش دیگردوستی مؤثر شده است.

■ **قحطی، فراوانی و اخلاق**
■ **پیتر سینگر**
■ **ترجمه: کیوان شعبانی مقدم**
■ **ناشر: طرح نو**

برای افراد طبقات متوسط و بالاتر، اخلاقی زیستن فقط شامل رعایت قواعد سنتی اخلاق نظیر دروغ نگفتن، دزدی نکردن، یا نکشتن دیگران نیست، بلکه مستلزم کمک به افرادی است که بی‌آنکه مرتکب خطایی شده باشند، از چیزهایی رنج می‌برند که ما به‌سادگی می‌توانیم از آنها پیشگیری کنیم. کتاب استدلال می‌کند که بیشتر افراد ثروتمند، در سوی اشتباه خط مذکور ایستاده‌اند. «قحطی، فراوانی و اخلاق» اثری اقناع‌کننده و الهام‌بخش است که در جانمایه خود به این اشاره دارد که چرا برای داشتن یک زندگی اخلاقی، ما «باید» از رنج و مرارت همنوعان خود بکاهیم. ضمن‌اینکه چگونگی آن را نیز به ما می‌گوید. عمل به استدلال اساسی کتاب علاوه بر منافع مستقیم و ملموسی که در کاهش فقر و نابرابری دارد، ما را به سوی بافضیلت زیستن سوق می‌دهد.

از هوش تا استعداد؛ مهارت‌های والد بودن/۵

از خلاقیت کودکانتان شگفت‌زده شوید

یک فنجان چای

آزاده سهرابی
روانشناس

این روزها با نوشتن این ستون با سؤالاتی مواجه شده‌ام در این باره که مثلاً اگر شاد بودن کودکمان را مبنای فعالیت‌های او قرار بدهیم و او مثلاً در پیگیری تکالیفش در یادگیری مهارت زبان انگلیسی بد قلقی می‌کند اما ما می‌دانیم برای آینده‌اش مفید است، باید چه کنیم؟

شاید مهم‌ترین نکته در پشت این سؤال‌ها این باشد که ما بزرگ‌ترها آنچه را در تجربه زیسته خودمان تجربه کرده‌ایم و بدتر علایق خودمان را مبنای خیر و صلاح فرزندانمان می‌دانیم. مثلاً تجربه زیسته بسیاری از والدین این روزها اهمیت یادگیری زبان دوم است یا سوق دادن بچه‌ها به سمت تحصیل در رشته تجربی چون رشته‌های پول‌ساز عموماً گویا در این رشته‌ها قرار دارد. این در حالی است که دنیا با سرعت باورنکردنی در حال دگرگونی است و ممکن است فردا رشته‌ای مورد نیاز جوامع باشد که حتی امروز وجود ندارد و یا کودکی که یادگیری زبان انگلیسی را دوست ندارد به یادگیری زبانی دیگر علاقه نشان بدهد و امروزه مانند ۲۰ سال پیش زبان انگلیسی تنها گزینه در سبد آموزشی زبان‌های خارجی نباید باشد. مهم‌ترین نکته در یافتن استعداد فرزندان این است که بدانیم همه کودکان قرار نیست استعدادهای شناختی یا ذهنی یا استعدادهای حسی یا استعدادهای حسی - حرکتی همه را داشته باشند. باید والدین تفکیک مناسبی روی این سه دسته بزرگ استعداد داشته باشند. ضمن اینکه سن، جنسیت، شخصیت، خلق‌وخو و محیط بسیار در این میان اثرگذار است. کودکان کنجکاو هستند و باید به آنها اجازه داد حتی در بروز توانایی‌های خود دچار اشتباه شوند.

شاید بتوان در این مجال صفحه دیگری را برای والدین باز کرد و اینکه در شناسایی و پرورش استعداد در کودکان چند مهارت نقش زیربنایی ایفا می‌کند؛ یکی پرورش خلاقیت است، دیگری بالا بردن تمرکز و تقویت حافظه در کودکان و دیگری تقویت خیال‌پردازی در کودکان.

خلاقیت به کودکان کمک می‌کند درکشان را وسعت بدهند و انعطاف‌پذیر باشند. حتی خلاقیت و درست کردن که گاهی در کودکان به شکل سرهم‌بندی وسایل به چشم می‌خورد، کمک می‌کند آنها تمرکزشان را بالا ببرند و استرس‌هایشان کاهش پیدا کند.

کافی است کودکان را در معرض اشیا و در محیط‌هایی قرار بدهید که بتوانند کنجکاو شوند، خلاقیت را خودشان کشف می‌کنند. در این مسیر سؤال‌های والدین در مسیر کنجکاوی کودکان می‌تواند به خلاق بودن آنها کمک کند. ممکن است کودکی برای اولین بار حیوانی را ببیند، با یک شیء روبه‌رو شود و... از او درباره‌اش بپرسید. اجازه دهید خودش ادراک و تصویری از آن پیدا کند. سؤال‌هایی درباره چرایی‌ها از فرزندانتان بپرسید و از شنیدن پاسخ‌هایشان شگفت‌زده شوید. سؤال‌های ساده‌ای مثل اینکه «به نظرت چرا آسمان آبی است؟» آن هم از یک کودک ۵ ساله قطعاً پاسخ درستی به همراه ندارد اما پاسخ او دنیایی از خلاقیت و تصور و خیال را در او زنده می‌کند. هدف اصلی هم این است که او درباره همه چیز فکر کند. خودتان هم خلاق و متفکر باشید تا کودکانتان یاد بگیرند.

دیگر اینکه توجه به جزئیات را به کودکانتان یاد بدهید. اجازه بدهید آنها فعالیت‌های جدیدی یاد بگیرند و در یک حلقه مهارتی و یک محیط یادگیری محصور نشوند تا حافظه خود را گسترش بدهند. این موارد به‌ظاهر ساده دعوت شما به دنیای کودکانی است که مغز آنها در حال ایجاد مسیرهای عصبی است که پس از مدتی تثبیت می‌شود و در تمام عمرشان از آنها استفاده می‌کنند. سه سال اول زندگی کودکان از این حیث بسیار اهمیت دارد. اینکه در سه سال اول زندگی کودکان در معرض تصاویر، صداها و حس‌های مختلف قرار بگیرند و محصور نباشند برای مغز کودکان بسیار مهم است. پس از آن نیز حداقل تا ۱۵ سالگی این فرصت را دارید که به بچه‌ها اجازه دهید دنیای خود را وسعت بخشند و خود را در دنیایی که می‌سازند، پیدا کنند. شما هم میهمان آنها باشید و از شگفتی دنیایی که می‌بینید لذت ببرید.

هنرمندان در فضای مجازی

این روزها فضای مجازی اهالی فرهنگ اختصاص دارد به نمایشگاه کتاب و آثاری که به مخاطبان خود معرفی می‌کنند. اهالی هنر هم همچنان اجراهای خود را به اشتراک می‌گذارند.

■ **چهره‌ها**

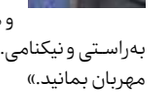

کیهان کلهر نوازنده و آهنگساز کمانچه، تازه‌ترین کنسرت خود را ۲۳ june ۲۰۲۳ با اردال ارزنجان برگزار می‌کند. خبری که این هنرمند در فضای مجازی اعلام کرده و گویا این اجرا به‌صورت آنلاین خواهد بود.

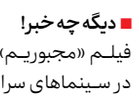

تهمورث پوراناظری عکسی از ایرج طهماسب به همراه سهراب پوراناظری در صفحه مجازی‌اش منتشر کرده که مربوط به کنسرت ایران من بوده و در شرح این عکس نوشت: «ایرج‌خان طهماسب از آن مردمان است که از نگاه و بیان تا راه و منشش همه و همه نشان از نژاده بودن دارد. مردی که پیوندگار کودکی تا امروز من و هم‌نسلان من است، نه بهتر بگویم پیوندگار ما و کودکان دوباره سرزمین است به‌راستی و نیکنامی. جناب تهماسب پاینده باشید و همچنان برای سرزمین بزرگی صمیمی و دوستی مهربان بمانید.»

■ **دیگه چه خبر!**

فیلم «مجبوریم» ساخته رضا درمیشیان از فردا چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت در سینماهای سراسر کشور به نمایش درخواهد آمد. خبری که این کارگردان درصفحه مجازی‌اش اعلام کرده و در توضیح آن نوشته: «مجبوریم» پنجمین فیلم بلند سینمایی رضا درمیشیان پس از فیلم‌های «بغض»، «عصبانی نیستم!»، «لانتوری» و «یواشکی» است. کیهان کلهر موسیقی فیلم این کار را ساخته و فاطمه معتمد آریا، نگار جواهریان، پارسا پیروزفر، بهمن فرمان‌آرا، بابک کریمی و... بازیگران این فیلم هستند.

اندیشه فولادوند ویدیویی از نمایش «عشق روزهای کرونا» منتشر کرده که در این نمایش به همراه احترام برومند، نرگس محمدی، میترا حجار و... به ایفای نقش می‌پردازد. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان بوده به تهیه‌کنندگی علی اوجی و به خوانندگی رضا یزدانی که در پردیس تئاتر شهرزاد در حال برگزاری است.

پیش فروش بلیت نمایش «درهم تنیدگی» از ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت درسایت تیوال آغاز می‌شود. خبری که احسان گودرزی نویسنده و کارگردان این کار اعلام کرده. بازیگران این اجرا خاطره حکیمی و احسان گودرزی هستند که قرار است در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه بروند.

سازندگان فیلم‌های «گاو» و «قیصر» و تعدادی از ماندگارترین آثار تاریخ سینمای ایران شامگاه دوشنبه در اکران مردمی «لامینور» فیلم تازه داریوش مهرجویی بار دیگر در کنار هم قرار گرفتند. خبری که رسانه آنلاین سینما دیلی منتشر کرده. گویا مسعود کیمیایی برای حمایت از فیلم داریوش مهرجویی همراه با پولاد کیمیایی به این اکران آمده بود و به تماشای «لامینور» نشست.

■ **دنیای نشر**

پروین علی‌پور نویسنده و مترجم کتاب های کودک و نوجوان به بهانه برپایی نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱یکی از آثارش را با عنوان «وقت هر دلتنگی» که از نشر«چشمه» بوده به مخاطبان معرفی کرده و با انتشار تصویر این کتاب در شرح آن نوشته: «وقت هر دلتنگی»، دلنشین‌ترین کتاب، از بین کتاب‌هایم؛ به انتخاب دلم!!! مجموعه ای از یازده داستان کوتاه که درونمایه همه آنها رابطه شاد و مهرآمیز مادر- دختری است.»

۱۹ اردیبهشت زادروز جبار باغچه‌بان، آموزگار و نویسنده بزرگ کودکان و از پیشگامان آموزش و پرورش نو در ایران است. خبری که مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان در صفحه شخصی خود اعلام کرده و درباره این آموزگار بزرگ نوشته: «به بزرگی نام سیمرغ و نام جبار باغچه‌بان، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان برای گسترش ترویج کتابخوانی و تقویت سوادآموزی پایه، از سال ۱۳۹۵ با پشتیبانی شرکت عمران آذرستان جایزه‌ای را به نام «جبار باغچه‌بان، همزاد سیمرغ» راه‌اندازی کرده است. برگزیدگان این جایزه هر دو سال یک بار از میان ترویج‌گران، آموزگاران و مربیان و کتابداران برنامه «با من بخوان» گزینش می‌شوند که توانسته‌اند این برنامه را با کوشش و ابتکارهای فردی ژرفا ببخشند یا مسئولیت ویژه‌ای در انجام آن داشته‌اند.»

عکس نوشت

همزمان با فروش ۱۲ میلیاردی «موقعیت مهدی» در سینماها، از موزیک ویدیوی این فیلم سینمایی رونمایی شد. ساخت موسیقی این نماهنگ برعهده مسعود سخاوت دوست بوده و شعر آن را نادر الهی و بهزاد گرانمایه به زبان ترکی سروده‌اند که با آوای مجید عصری روی سکانس‌های منتخب این فیلم قرار گرفته است.